

دیانت و تکامل اجتماعی

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



دیانت و تکامل اجتماعی

ظهور حضرت مسیح در مرحله اولی منعطف بجات فردی و تخلق باخلاق جدیدی بوده و موضوع اصلی آن تاکید در لزوم ایجاد یک پایه عالی اخلاقی و انتظام در وجود انسان است که عضو اصلی جامعه بشر میباشد چنانکه در هیچ جای انجیل ما اشاره بوحدهت ملل یا اتحاد کلی نوع بشر پیدا نمیتوانیم کرد. هنگامیکه حضرت مسیح با اطرافیان خود صحبت میکرد در رتبه اولی بآنان از لحاظ افراد و نه از لحاظ اجزاء مرکبه یک هیئت جهانی و غیرقابل تقسیم خطاب مینمود. در آموختن تمام سطح زمین هنوز کشف نشده بود و بنابراین تشکیل تمام امم و ملل آن بصورت هیئت واحد ممکن نبود در نظر گرفته شود تا چه رسد باینکه اعلام و یا استقرار یابد. برای این بیانات حضرت بهاءالله که بانخاصه پیروان انجیل خطاب گردیده و در آن فرق اساسی میان شریعت حضرت مسیح که در مرحله اولی مربوط بافراد بوده و امر حضرت بهاءالله که مخصوصا بنوع بشر بطور کلی معطوف شده چه تعبیر دیگری میتوان قائل شد "انه (مسیح) قال تعالیا لا جعلکم صیادی الانسان و الیوم نقول تعالوا لنجعلکم علة حیوة العالم"

شریعت اسلام یعنی حلقه بعدی در سلسله شرایع الهی چنانکه حضرت بهاءالله خود شهادت داده این فکر را که ملت هیئت واحده و مرحله حیاتی در تشکیل جامعه انسانی است تلقین کرده و در تعالیم آن مندرج گردیده است. اینست در حقیقت مفهوم بیان موجز ولی پر معنی و روشن حضرت بهاءالله که میفرماید "از قبل فرموده اند حب الوطن من الایمان". این اصل را بقدریکه تکامل جامعه انسانی در آموختن اقتضا داشت رسول الله تبیین و تاکید نمود. در آن زمان ممکن نبود مرحله بالاتر یا پست تری در نظر گرفته شود زیرا اوضاع دنیا برای استقرار تشکیلات عالی تر هنوز آماده نشده بود. فکر ملیت و وصول بمقام ملیت را بنابراین میتوان گفت از خصائص مشخصه دیانت محمدی بوده که در دوره آن مال و اجناس عالم مخصوصا در اروپا و امریکا متحد شدند و استقلال سیاسی را حائز شدند. حضرت عبدالهء این حقیقت را در یکی از الواح چنین توضیح میفرماید "در دوره های سابق هر چند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلی ائتلاف من علی الارض غیر قابل زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات نمسهء عالم ارتباط و اتصال معدوم بلکه در بین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معسور لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم در یکنقطه اتحاد و اتصال و تبادل افکار متمتع و محال اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات نمسهء عالم حکم یک قطعه یافته و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچیک استغنائی از دیگری نه زیرا روابط سیاسیه بین کل موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت محکم مشهود لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و



TRANSLATION



AUDIO

این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن - قرن انوار - عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیتری دیگر دارد اینست که ملا حظہ مینمائی که در هر روز معجز جدیدی مینماید و عاقبت در انجمن عالم شمعهای روشنی بر افروزد " و همچنین میفرماید " بارقهء صبح این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته . شمع اول وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد. و شمع سوم وحدت آزادیست آن نیز قطعیا حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دین است این اصل اساس و شاهد این وحدت در انجمن عالم بقوت الهیه جلوه نماید و شمع پنجم وحدت وطنی است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوت ظاهر شود و جمیع ملل عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنس است جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و بایکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعا قطعی الحصول است زیرا قوتی ملکوتی موجد آن " حضرت عبدالبهاء در مفاوضات میفرماید " از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بیهمال (حضرت بهاءالله) وقوع خواهد یافت علم الهی بجمیع امتها بلند خواهد شد یعنی جمیع ملل و قبائل در ظل آن علم الهی که نفس آن نهال ربانی است در آیند و ملت واحد گردند و ضدیت دینیه و مذهبییه و مابینت جنسیه و نوعیه و اختلافات وطنیه از میان برخیزد کل دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کرهء ارض است ساکن گردند " .

مقامی که دنیا اکنون بآن نزدیک میشود همین مقام وحدت عالم انسانی است و چنانکه حضرت عبدالبهاء موکدا میفرماید در این قرن البته تحقق خواهد یافت. حضرت بهاءالله چنین فرموده است " لسان عظمت در یوم ظهور فرموده (لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم) " و نیز میفرماید " باین کلمات عالیات طیور افئده را پرواز جدید آموخت و تحدید و تقلید را از کتاب محو نمود "